

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۳ جولای ۲۰۲۰

برخورد وزارت صحت دولت دست نشانده با "رضاکاران" محکوم است!

یکشنبه- ۲۲ سرطان ۱۳۹۹ - کابل: حتماً شما هم در جریان قرار دارید که چند شب قبل وزیر صحت دولت دست نشانده به مانند لشکر متجاوز امریکا در غیاب رسانه ها و امکان اطلاع رسانی، بر شفاخانه "افغان- جاپان" حمله "مسلحانه" نموده تعدادی از باشندگان کابل را که زیر نام "انجمن طبی اسلامی افغانستان" خود را سازماندهی نموده و طبق قرارداد رسمی با وزارت صحت دولت دست نشانده، در شفاخانه ها جهت کمک به پرسونل موظف آن شفاخانه خدمت می نمایند، با تحقیر و زدن "پس گردنی" از شفاخانه بیرون انداخت، در یادداشت امروز توجه شما را به ابعاد و انگیزه های چنین اقدامی جلب می نمایم:

۱- در جوامع امروزی که احساس و درک مفهوم شهروندی نسبت به گذشته های دور تفاوت نموده، در تمام کشور های جهان، حین بروز سوانح، حادثات و فجایع طبیعی و یا انسانی، گاهی با آمادگی های قبلی و گاهی هم به صورت خودجوش و عاجل، از طرف باشندگان همان محل جهت مبارزه با مصیبت و فاجعه در هماهنگی کامل با نیروهای دولتی موظف در زمینه به صورت داوطلبانه همکاری آغاز می یابد که در بعضی موارد بزرگترین کمکها را به نیروهای موظف ارائه می نمایند.

اصل کمکهای "رضاکاران" که در تمام کشورهای جهان به اشکال دیگری سابقه داشته و از گذشته های بسیار دور بدین سو در کشور خود ما تا هنوز در برخی از روستا ها و دهات دور و نزدیک حین تدفین اموات و یا هم کمک به مصیبت دیدگان زلزله، سیل ویا حریق خود را نشان می دهد، در واقعیت امر بزرگترین تکیه گاه نیروهای موظف حین مبارزه آنها علیه سوانح طبیعی و انسانی به شمار می رود.

اگر از دید انسانی و جامعه شناسانه به مسأله نگرینسته شود، می توان حکم نمود که میزان ارائه خدمات رضاکاران و داوطلبانه در یک منطقه مستقیماً متناسب است با درجه رشد فکری و ذهنی افراد آن جامعه از مفهوم انسانیت و شهروندی.

۲- من خودم شخصاً عضو این انجمن نیستم و با تأسف از چیستی و چونی آن نهاد شناخت هم ندارم با آنهم بر مبنای خدماتی که در شفاخانه افغان- جاپان انجام داده اند به آنها احترام دارم و علی رغم مشکلاتی که دارم مایلیم با آنها همکاری نمایم تا در چنین وضعیتی که رضاکاران کوبائی و یا چینی به نسبت ته مانده هائی از اخلاق سوسیالیستی بین

آنها قاره ها را زیر پای می گذارند تا به هموعان خویش کمک نمایند، من نوعی هم که داد از افغانیت و انسانیت می زرم حد اقل دست هموطن و همسایه خود را بگیرم، از همین رو حمله بر آنها را حمله بر خود و حمله بر انسانیت دانسته علیه آن می ایستم.

۳- و اما این که چرا وزارت صحت و وزیر تازه تقرر آن چنان خصمانه به آنها برخورد می نماید، انگیزه های متفاوتی دارد که ذیلاً به برخی از آنها اشاره صورت می گیرد:

الف - "جناب وزیر" که در فرهنگ غارت، چور و چپاول و منفعت خود را مقدم دانستن تربیت یافته و از همان طریق بدین مقام رسیده است نمی تواند درک نماید که یک انسان می تواند بدون چشمداشت و گرفتن پول به کس دیگری کمک نماید. پرورش آنها در همان فرهنگ باعث شده است که از ایشان به اصطلاح انسانی بسازد که چیزی به نام انسانیت برای شان مفهوم نداشته باشد و هیچ گاهی در طول عمرش بدون اخذ "فیس" برای یک مریض نسخه ننوشته و تداوی ننموده باشد.

برای شبه انسانی که با چنین فرهنگی بزرگ شده مدارج ترقی را پیموده است، خدمات رضاکارانه نه تنها مفهوم و قابل درک نیست بلکه در وجود هریک از چنان افرادی دشمن کسب و کار و میدان چپاول و غارت خود را می بیند از همین رو می بایست شبانه بر آنها حمله نموده، با تحقیر آنها را از شفاخانه بیرون اندازد.

ب - افشاگری های موثق اخیر در مورد سرقت "وینتلاتور" ها و بقیه کمکهای طبی و در کل به یغما رفتن صد ها میلیون افغانی و دالر زیر عنوان مبارزه با کرونا؛ وزارت صحت و کلاً دولت دست نشانده را متوجه ساخت که اگر نمی خواهند بیشتر از این کوس رسوائی های آنها بلند تر نواخته گردد، می باید منبع درز چنین افشاگری هائی را ببندند، آنها که نیک می دانند وابستگان سیستم جهت حفظ منافع شان از غارت و چپاول و سهمی که خود از آن می برند، دهان باز نمی نمایند لذا نباید منبع افشاگری را در درون آنها جست و جو نمود، منطقاً متوجه موجودیت رضاکاران شده، آنها را به مثابه افشاگر جنایات و غارتهای شان مشخص ساخته، اخراج می نمایند.

پ - از تمام اینها مهمتر ترسی است که نظام مستعمراتی کابل در کل از سهمگیری مردم در اداره امور زندگانی شان دارد. نظام مستعمراتی کنونی و عامل اجرائی آن دولت دست نشانده خوب می دانند که یکی از پایه ها و علل دوام سلطه آنها، عدم دخالت و ساکت ماندن مردم افغانستان در تعیین سرنوشت شان می باشد. این عدم دخالت و کنار ماندن و سلطه فرهنگ "به من چه" در زندگانی روزمره، باعث شده است که عمال دولت دست نشانده بدون هراس از مؤاخذه در روز روشن دزدی کنند، مبلغ چهار میلیون دالر از ارگ تا وزارت مالیه سرقت شود و صدای کسی بلند نگردد. نظامی را که امپریالیسم جهانی به سردمداری امپریالیسم امریکا در افغانستان به وجود آورده، سخت تلاش می ورزد تا هر نوع احساس همبستگی، مساعدت به یک دیگر و فداکاری را در وجود ما از بین برده به جایش اخلاق خودخواهانه و خود مرکز بینانه امپریالیستی را جایگزین نماید. آنها با این کارشان تلاش می ورزند انسان افغان را، بیگانه با افغان و افغانیت پرورش دهند تا به حاکمیت و سلطه شان دوام داده بتوانند.

ایجاد نهاد های رضاکار در کل که تزئید نقش توده ها در اداره خودشان را می رساند، در عمل می تواند نقطه پایانی بر سلطه بی رقیب عمال دولت دست نشانده در اداره امور مردم تلقی گردد.

هموطنان گرامی!

نه این بار و نه هم بار آخر خواهد ماند که می گویم: ما به تناسب ما فعال بودن خود در پیشبرد زندگی ما، می توانیم در ساختن آینده خود، فرزندان و کشور ما مؤثر باشیم. از همین رو وقتی بی امنیتی و ترورهای سازمانیافته از جانب مهمانان جناب رئیس یعنی ریاست امنیت ضد ملی در منطقه دشت برچی با هدف ایجاد دشمنی بین اقوام و مذاهب

فزونی یافت، برای بار اول تشکیل کمیته های دفاع از خود را پیشنهاد دادم و خودم نیز در کنار دیگران در ساختن آن سهم گرفتم. شما هم شاهد هستید تا زمانی که آن کمیته ها فعال بودند، پتاقی هم در منطقه زده نشد تا چه رسد به بمب و انفجاری.

هموطنان گرامی!

وقتی امروز دولت دست نشانده توسط یکی از وزرایش خلاف روند حاکم بر تمام جهان که از رضاکاران تقدیر می نمایند، می آید و چند جوان رضاکار را با تحقیر و افتضاح توسط نیروهای مسلحش از خدمت به مردم باز می دارد عمده ترین دلیلش آن است که این اداره نمی خواهد من و تو یاد بگیریم که متحدانه از خود دفاع نمائیم، متحدانه به یک دیگر کمک و خدمت نمائیم، این است ترس دولت دست نشانده!

هموطنان گرامی!

باز هم می نویسم که من با انجمن مورد تعدی و تجاوز قرار گرفته هیچ آشنائی و ارتباطی ندارم و صادقانه بنویسم که از گنجاندن "اسلامی" در آن رضایت هم ندارم، مگر خود را ملزم می دانم و از شما هم می خواهم که اگر روی هر علتی از آنها خوشمان نمی آید، لطفاً از ایده خدمات رضاکارانه که به وسیله آنها نمایندگی می شود، به دفاع برخاسته، نگذاریم تا دولت دست نشانده، فرزندان این میهن را از کمک به یک دیگر شان ممانعت نماید. ما در فرهنگی بزرگ شده مکتب رفته ایم که سرلوحه دروس آن کلام ماندگار "سعدی" می درخشد وقتی می نویسد:

بنی آدم اعضای یک پیکر اند که در آفرینش زیک جوهر اند

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

توکز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبد!